



رئیس جمهوری:

**مردم می خواهند
فضا بازتر شود**

گروه سیاست: رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه‌ای با رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی، به موضوع حوادث چند روز گذشته در کشور اشاره کرد و گفت: «در چند ماه گذشته ما یک انتخابات بسیار شکوهمند و شاید رقابتی‌ترین...

صفحه ۶

سه‌شنبه ۱۲ دی ۱۳۹۶ | ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ | ۲ ژانویه ۲۰۱۸

تنترها

**ناآرامی در برخی از
شهرهای کشور**

صفحه ۲

**فرشاد مؤمنی:
موتور توسعه فقر ۹۷
فعال تر از ۵ سال قبل**

صفحه ۴

جمران ومیرلوحی از عملکرد ۱۰۰روزه نجفی می‌گوید

**تکلیف عددهای
چند هزار میلیاردی**

صفحه ۱۲



**اوباما طرح ترور
سردار سلیمانی را لو داد**

صفحه ۱۵

حرف اول

به‌دنبال راه علاج

مهدمتقی فاضل‌میدبی



جربانی که در چند روز اخیر در کشور شاهدیم و اغلب استان‌ها و شهرهای کشور را فراگرفته، فرجام آن روشن نیست و ممکن است خسران‌های بزرگ و جبران‌ناپذیری به کشور وارد کند. چون این اعتراض‌ها از حالت مدنیت خارج شده و رنگ خشونت به خود گرفته است. آتش‌زدن مسجد و حسینیه و اماکن عمومی هیچ توجیهی ندارد و با اعتراض مدنی سازگار نیست و از طرفی سرکوب و برخورد نیز فایده‌ای ندارد و خشونت را بیشتر می‌کند؛ این اقدامات شاید در کوتاه‌مدت راه علاج باشد ولی در درازمدت نه. وقت آن است که مسئولان کشور هرچه‌زودتر راه علاجی بیابند و فرصت‌هایی را برای ملت فراهم کنند. اعتراضات تنها معیشت نیست، بخشی از مشکلات غیراقتصادی و مربوط به جاهای دیگر و موضوعات دیگر است و در رأس آنها فساد اداری است. ضروری است از شخصیت‌ها و افراد دلسوز نظام و کشور که سال‌هاست به دلایلی در کنارند، دعوت شود و با درجریان‌گذاشتن مردم و صدور بیانیه پاره‌ای از اعتراضات بحق مردم را که در راستای حفظ استقلال کشور و نظام است، بیزنند و راه‌حلی برای آن پیشنهاد دهند. لازم است راه و رویکرد گذشته اصلاح شود، ادبیات صداوسیما که یک‌سویه است و رسانه‌هایی که هر چیزی را به گردن دولت می‌اندازند، باید تغییر کند و کسانی که این ماجرای پرآشوب را آغاز کرده‌اند، شناسایی شوند و به مجازات برسند.

ادامه در صفحه ۴



رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با «شرق»:

هزینه شفافیت سنگین است

- صادقانه به اشتباهاتمان اعتراف کنیم
- برخی حاضر نیستند درآمدشان را بگویند
- این لایحه بودجه به معنی پایان کنترل تورم است
- رئیس بورس می‌گوید زورم به نهادهای عمومی نمی‌رسد

صفحه ۵



**واکنش محصولی
به گزارش «شرق»**

صفحه ۱۵

یادداشت

مردم را متقاعد کنید

شیوهای متوسل شوند تا نظراتشان شنیده شود. تجربه تاریخی در ایران نشان می‌دهد که سوار بر موج اعتراض‌های مردمی شدن کار دشواری نیست؛ زیر بی‌خبری و کم‌اطلاعی از کم و کیف سیاست‌ها نه‌تنها بر شایعه‌ها دامن می‌زند؛ بلکه راهی می‌شود برای خودنمایی آنان که ورشکسته سیاسی هستند و برای تجدید آبرو راهی جز هزبانی با مردم نمی‌بینند. متقاعدسازی از ضرورت‌های سیاست‌گذاری در دنیای امروز است، به‌این‌دلیل که کمتر سیاستی را می‌توان یافت که در هریک از مراحل، نیاز به مردم نداشته باشد. حتی در سیاست‌های دفاعی و امنیتی که به تخصصی‌ترین شکل ممکن و بنابر ضرورت‌های استراتژیک دولت‌ها شکل می‌گیرند نیز متقاعدکردن مردم اهمیت دارد. انتشار شفاف‌تر برخی ردیف‌های بودجه سال ۹۷، اگرچه گام مؤثری در پاسخ‌گویی و عمومی‌کردن تصمیم‌های سیاستی داشت؛ اما نمی‌تواند به‌تنهایی نقشی در متقاعدسازی ایفا کند. توضیح بودجه به زبان مردم و تبیین دقیق محدودیت‌ها کافی نیست، فرایند بودجه‌ریزی که از اصول برنامه‌ها و سیاست‌های کلان ناشی می‌شود، باید منطق بر ذائقه مردم باشد. فرایند متقاعدسازی را نباید تنها به اطلاع‌رسانی و شفافیت محدود کرد. متقاعدسازی به معنای دقیق‌تر، قائل‌شدن نقش کنشگری برای عموم مردم است، نه فقط برای نمایندگان آن از مردم. از همین‌روست که حتی در کشورهای توسعه‌یافته هم فقط به نظرات و رای نمایندگان مردم در مجالس اکتفا نمی‌شود. ذات خروجی سیاست‌گذاری، هنجاری و از جنس پایدها و نیاید است.

ادامه در صفحه ۴

همراهان امروز روزنامه شرق

رجوع به صفحه آخر

سازمان آگهی‌ها
۸۸۷۹۲۴۳۴
۸۸۱۹۲۸۷۷

LEON
Since 1960

رجوع به صفحه ۵

لاریجانی:

**هیچ یک از افراد کابینه‌های بعد
از انقلاب دزد یا فاسد نبوده‌اند**

گروه سیاست: علی لاریجانی وسط جلسه‌های سنگین کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۹۷ آمد و درباره تجمع‌های اخیر در سراسر ایران سخن گفت. رئیس مجلس با بیان اینکه اگر رهبری انقلاب توسط امام(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای نبود...

صفحه ۲

سال پانزدهم | شماره ۳۰۵۰ | ۱۶ صفحه | ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

تمنای رفتن

مهرداد عربستانی . استاد دانشگاه تهران



موضوع مهاجرت از کشور، امری همیشه حاضر در ذهنیت ایرانی است. حضور این موضوع چنان «طبیعی» است که سؤال مستقیم از تمایل یا آرزوی مهاجرت، معمولاً با واکنش استفهامی شونده مبنی بر بدیهی‌بودن پاسخ همراه است. وقتی هم‌وطنی که مدتی خارج از کشور زندگی کرده به ایران بازمی‌گردد، معمولاً از اولین پرسش‌هایی که با آن مواجه می‌شود، این است که «چرا برگشتی؟»؛ گویی برگشتن به وطن دلیل ویژه‌ای نیاز دارد و برگشتن پیش‌فرضی پذیرفته‌شده است. آمار و ارقام موجود نیز نشان از تحقق و عملی‌شدن نسبی این آرزومندی در کشور دارد. اطلاعات موجود از مهاجرت تحصیلکردگان و حتی افراد بدون تحصیلات عالیه، اقدام به پناه‌جویی، اقدام برای اخذ اقامت و مهاجرت رسمی، اقدام گسترده برای تحصیل در خارج از کشور (با چشم‌اندازی برای ماندن و کارکردن در کشور دیگر) و حتی تعداد ایرانیان شرکت‌کننده در لاتاری ویزای تنوع آمریکا (سال ۲۰۱۵ شهروندان ایرانی رتبه چهارم را در بین حدود ۲۰۰ ملیت در این لاتاری داشته‌اند)، همگی نشان از تمنا و رغبتی نسبتاً بالا در کشور برای مهاجرت و ترک وطن، به‌ویژه در سنین جوانی و میان‌سالی، دارند. با سؤال بزرگ و هول‌انگیزی مواجه هستیم؛ چرا می‌خواهند در این کشور زندگی نکنند؟ منشا این تمنا چیست؟ این تمنا به روشنی به معنای آرزوی بودن در جایی دیگر است و دال بر وجود احساس نارضایی و فقدان است که سوز ایرانی دنبال تسکین و پرکردن آن است. با نگاهی متأثر از سنت روان‌کاوی اجتماعی، سوزۀ انسانی موجودی آرزومند است. تمنا یا آرزو در ذات سوزۀ انسانی قرار دارد؛ تمنا و آرزویی که به سمت یک فقدان جهت‌گیری شده است ولی کدام فقدان است که سوزۀ ایرانی را به سمت خروج از مرزهای ملی و زندگی در کشوری دیگر می‌کشانند؟ ناامنی و جنگ؟ بی‌کاری و فقر؟ فجایع طبیعی؟ خشک‌سالی؟ ولی ایران نه جزء کشورهای ناامن است، نه فقیر و نه کشوری که دچار فجایع طبیعی در مقیاسی گسترده باشد که به جابه‌جایی عظیم جمعیتی منجر شود. حتی در قیاس با بسیاری از کشورهای دیگر، وضعیت امنیت و اقتصاد به‌مراتب بهتر نیز هست. برخی قائل به این هستند که تصویر آرمانی کشورهای غربی که از خلال سینما و رسانه‌های دیگر القا می‌شود، در ایجاد این گرایش نقش مهمی دارد؛ تصویری که با دورزدن عقل انتقادی و مانند یک فانتزی، مردم را به سوی بهشتی خیالی می‌کشد. بی‌تردید تصویر رؤیایی و برزق‌وبرق غرب می‌تواند موضوع تمنای هرکسی قرار گیرد که در جاتی از بی‌بهرگی را در زندگی واقعی‌اش تجربه می‌کند. اما حتی پذیرش اثرگذاری رسانه‌ها و این تصویرسازی رؤیایی در تمایل در مهاجرت به غرب، پاسخ قانع‌کننده‌ای به سؤال ما نمی‌دهد. نکته اینجاست که همه کشورها و نه‌فقط ایران، در معرض چنین تصویرسازی رؤیایی از غرب قرار دارند؛ پس چگونه است که ایرانیان بیش از بسیاری از مردمان دیگر کشورها، از آن تأثیر می‌گیرند؟ به عبارت دیگر، جست‌وجوی علت این تأثیرپذیری باز هم ما را به سوی کنش‌گر در خل و عوامل مؤثر در «پذیرش» این فانتزی در میان ذهنیت ایرانی می‌کشاند. با فرض گرفتن اهمیت القای فانتزی «دنیای غرب»، حاکمتر می‌توان سؤال را این‌گونه مطرح کرد که چرا این تصویر که امروزه تصویری است که در همه جا حاضر است، ایرانیان را بیش از بسیاری از مردمان دیگر می‌ریزند؟ تحقیقات نشان می‌دهد احساسی از محدودیت یا محرومیت و «گیرافتادن»، در زیر این گرایش به ترک وطن وجود دارد؛ گیرافتادن در تکراری که راه حرکت رو به جلو و تحقق ارتقای اجتماعی و آرزومندی برای بهره‌مندی و کامجویی از زندگی را می‌بندد. آرزوی کامجویی از زندگی و ارتقای اجتماعی سانقتی مشترک بین همه انسان‌هاست و الزاما محدود به گروه‌ها یا اقشار محروم‌تر نیست. اصولاً احساس بی‌بهرگی احساسی نسبی و مقایسه‌ای است که برابند تفسیر سوزۀ انسانی از وضع موجود و امکان و انتظار می‌آید. نیل به وضعیتی «بهتر» است. اگر آمیدی به برآورده‌شدن این آرزومندی داخل مرزهای ملی نباشد، بدیهی است که این آمید به سوی ورای این مرزها افکنده شود. بی‌تردید استدلال‌هایی نیز برای لزوم ماندن در کشور وجود دارد؛ گیرافتادن از موضعی متعهدانه و اخلاقی ادا می‌شوند؛ تعهدی برای ساختن و پیگیری رؤیا در کشور و تلاش برای بهبود قدم‌به‌قدم شرایط زیست؛ استدلال‌هایی مبتنی بر ارزش‌های ملی و دینی که احتمالاً کمتر کسی در اهمیت آنها شبهه‌ای وارد می‌کند. ولی شاید از این جهت که این استدلال‌ها فاقد پشتوانه‌ای از یک فانتزی امیدبخش، یا تصویری رؤیایی هستند که خیال مردم را پر کند، فاقد قدرت جذب می‌باشند هستند که یک فانتزی امیدبخش می‌تواند ایجاد کند.

ادامه در صفحه ۴



**محمد رضا خاتمی:
اعتراض مردم
باید به رسمیت شناخته شود**

صفحه ۳

یادداشت

مطبوعات می‌مانند چون اثر گذارند



**نعمت احمدی
حقوق‌دان**

وقتی مدیرمسئول روزنامه «شرق»، قصه پرغصه بحران کاغذ را به‌عنوان دردلدی مشفقانه بین مدیران روزنامه‌ها و خوانندگان در میان گذاشت، صحبت از این پیش آمد که چه بهتر، باید پذیرفت که عصر مکتوبات کاغذی به پایان رسیده است و دنیای جدید دیجیتال و عصر مدرن فضای مجازی را پیش‌رو داریم. یاد واردکننده زغال برزلی اقدام که روی جعبه زغال‌های وارداتی خود آگهی جالبی داشت به این‌مضمون که «به کمک جنگل‌های ایران می‌آیم»؛ با مصرف زغال برزلی به پایداری جنگل‌های کشورمان کمک کنید! حال نشان کبابی با سرآشیز چگونه می‌تواند رابطه‌ای بین زغال وارداتی برزلی با جنگل‌های بی‌درخت‌شده شمال ایران برقرار کند بماند، اما کمبود یا نبود کاغذ در عرصه روزنامه‌نگاری تهیه کباب از زغال برزلی نیست. روزنامه با کاغذ معنا پیدا می‌کند، کتاب با ورق‌زدن اوراق به‌هم‌پیوسته و شیرازه‌بندی‌شده دلچسب است. دنیای استیو جابز با ابداع نرم‌افزاری به نام ibook در موبایل و تبلت ابل، بار سنگین حمل کتاب را به کنار گذاشته و می‌توان هزاران کتاب به هر زبان را در یک تلفن جمع کرد و در سفر و حضر خواند. من که خود دارای کتابخانه‌ای با بیش از ۱۲ هزار عنوان کتاب هستم و ساعات کار و فراغت را بین کتاب‌هایی که در طول چهار دهه فراهم آورده‌ام سپری می‌کنم، با اینکه در تلفن همراهم بیش از سه هزار عنوان کتاب، حتی کتبى را که دسترسی به آنها فعلاً امکان‌پذیر نیست ثبت کرده‌ام و در لابی هتل، در پرواز، در راهپیمایی پایان هفته در مزرعه‌ام و خلاصه هر‌جا که وقت و فرصت دست دهد امکان خواندن اوراق هزاران کتاب را دارم، نمی‌توانم دنیای کتاب ملموس و به گفته قدیمی‌ها «سر در کتاب‌بردن» را فراموش کنم. از طرفی رونق فضای مجازی و سرعت انتشار و انتقال اخبار و نوشته‌ها هم نتوانسته قربایت دنیای کاغذی مطبوعات و کتاب را از بین ببرد. مهم‌تر اینکه تأثیری که نوشته روی اوراق کاغذ باقی می‌گذارد، قابل مقایسه با دنیای مجازی و دیجیتال نیست. مطلب نوشته روی کاغذ، سند ماندگاری است که ازین‌روفتنی نیست و اگر مطلبی له یا علیه فرد یا افرادی نوشته و منتشر شود، خواه درست یا غلط اثرات و تبعات آن تا همیشه باقی می‌ماند؛ برای نمونه، وقتی رئیس فعلی ستاد بحران کشور، آقای اسماعیل نجار، استاندار کرمان بود

ادامه در صفحه ۴